

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدين بوم وېر زنده يک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن - المان

اشکِ حسرت

بیا ای هموطن ، حرف از وطن گو
از آن ویرانه بیت الحزن گو
نه از پوتین و بوش و موش و کرزی
نه از تنبان و ، کلاه و چین گو
نه از قانون و ، قانونی و شورا
نه از کابینه پُر از وثن گو
نه از ننگین و ، رنگین سپنتا
نه از مرغ فتاده در لجن گو
نه از فرهنگ و اتمر ، نه خلیلی
و نه از وردک ، پندیده تن گو
نه از رامین و شمس و نه ز مسعود
و نه از خرّم آن مردِ خشن گو
نه از خلق و ، نه پرچم ، نه ز شعله
نه از اخوان و شیطان و لعن گو
نه از گلپته و برهان و گیلان
و نه از طالبان گورکن گو
نه از چور و چپاول ، قتل و غارت
نه از گرگ و پلنگ و از لبن گو

نه از زندان و کُند و بند و زنجیر
نه از شلاق و ، شتم و اهرمن گو
نه از ناخن کشی و شمع آجین
نه دار و حلقه و ، نه از رسن گو
مگو از جنگجویانِ جفاکیش
ز مظلوم و یتیم و بیوه زن گو
مگو از چاپلوسانِ ریاکار
ز مردی و ، وفای خویشتن گو
مگو از چرس و از تریاک و از بنگ
ز درمان و ، ز درد و ، از غرن گو
مگو از عیش و نوش و از تعیش
ز اشکِ حسرت و رنج و شجن گو
ز مردانِ دلیر و با شهامت
ز جانبازانِ بی گور و کفن گو
بگو از عندلیب و بلبل و گل
نه از باشه ، نه از زاغ و زغن گو
نه از جنگ و تفنگ و توپ و راکت
بیا از وحدتِ عالم سخن گو
بگو از مهر و الفت ، نه ز نفرت
ز سنگ و ضربه و نه از شکن گو
ز ترکِ جهل و تبعیض و تعصب
تحرّی کردن و ، از یافتن گو
معاشر با تمام دین و مذهب
ز پیوندِ گلاب و نسترن گو
تساویِ حقوقِ مرد و زن را
نما اعلان و واضح و علن گو
بشارت ده ز تعدیلِ معیشت
طریقِ بهترین زیستن گو
شکن هر بند و زنجیرِ اسارت

ز آزادی ، آن ملکِ کهن گو

تو هم « نعمت » به لفظِ شاعرانه

ز آبادی و ، هم از ساختن گو
